تاریخ حزین الملل بخارا

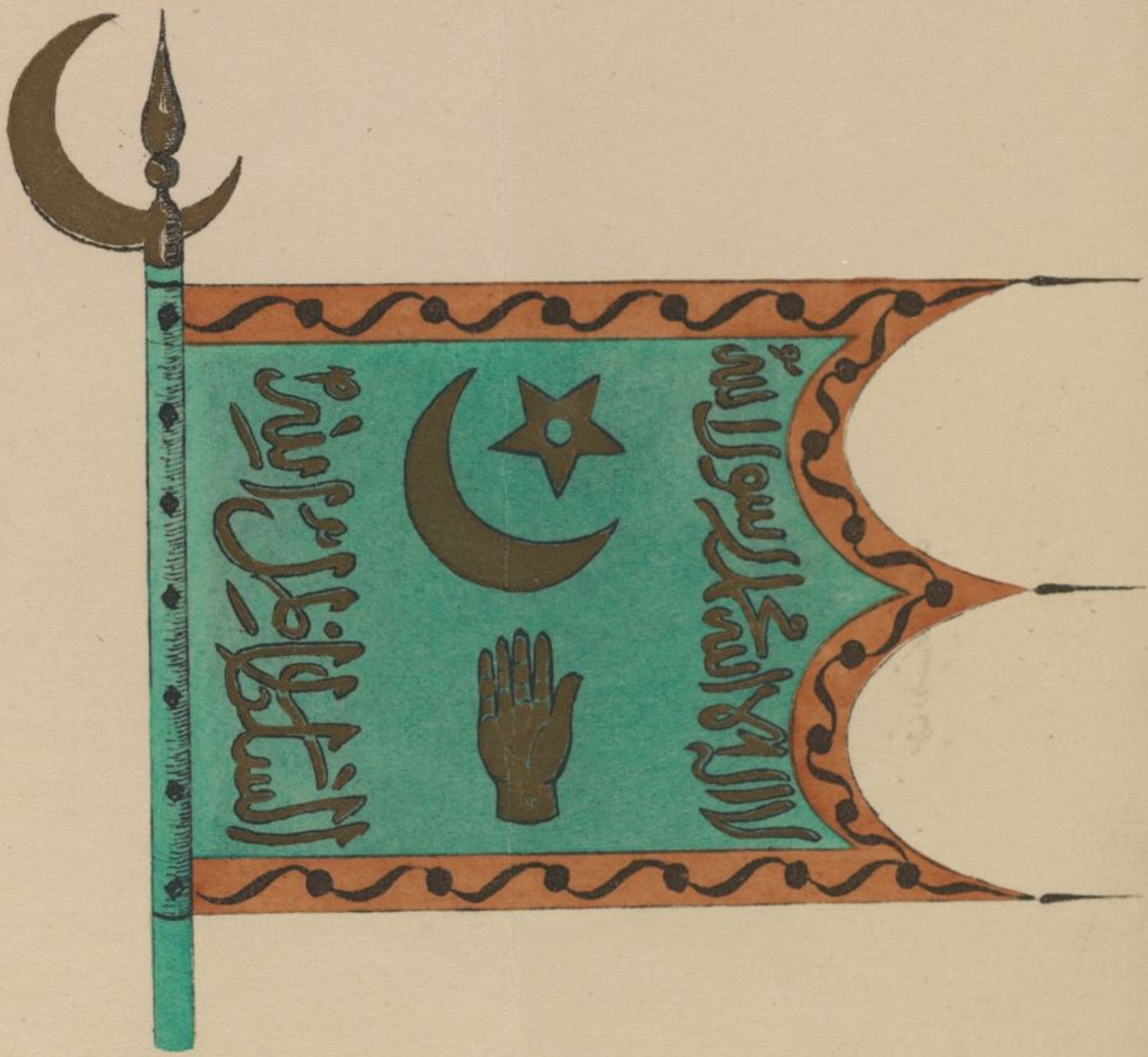
لا إله إلا الله محمد رسول الله

شرف دولت بحضای شریف

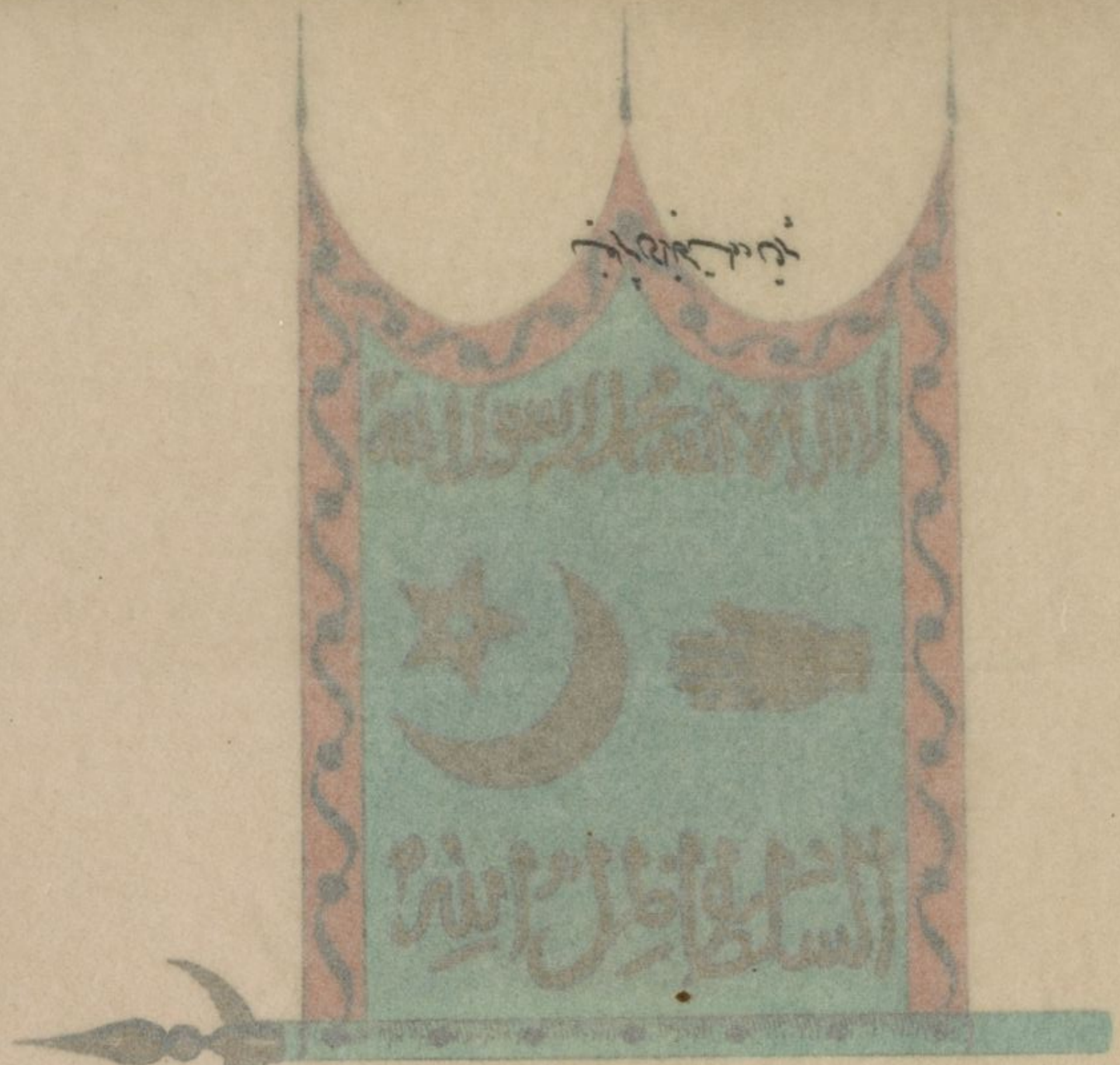

Alam Khan, Amir of Bokharah,
"

بقلم

اعلیحضرت

امیر سید عالم خان

امیر بخارا

تاریخ خسرو الملوک بخارا

بسعی و اهتمام حاجی یوسف منشی باشی

در مطبعه مرا در امرتسر نو در پارس

طبع و نشر

گردید

1921

LC Control Number
2002 362443

ارگ سلطنتی دولت بخارا

LC Control Number

2002 362443

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین و الصلوه و السلام علی رسوله

محمّد و آله و اصحابه اجمعین امّا بعد بر ضمائر اصحاب

دانش و بر خواطر ارباب بینش پوشیده مباد

که مسکه خادم فدوی ملّت نجیبه بخارای شریف

سید امیر عالم خان حکمران ملک بخارا بودم ؛

کیفیت احوال و سرگذشت خود را از زمان خورد

سالی تا زمان سلطنت در پایتخت بخارا و محاربه

که همراه بلبوبک نموده و حکایات عبرت خود را

که بدار السلطنه کابل کرده ام در سلک تحریر درآورده پیش
نموده تاریخ حزن الملل بخارا نام نهادم تا که قارئین و
ناظرین از زبان حالات این بنده و سلطنت که در
پای تخت بخارا و تعلقات آن نموده و بحاره همراه
ملتوی گشته و بحرت در افغانستان نموده ام را،
مطلع گردیده بدیده انصاف نظر نمایند
و طوطی ناطقه تان را در شاخسار بیان چنین در ترنم
میآورم که چون این بنده درگاه الله سید عالم خان
ولد سید امیر عبدالاحد شهریار دارالفاخره بخارای

شریف در اوان استقرار سلطنت حضرت پدر
بزرگوارم بعد از تحصیل علم دنیات را نمودن برای
حصول تعلیم وقانون سلطنت و مملکت داری مدت
عظمای روس در عمر سنزده سالگی ام در سنه ۱۸۹۳ میلادی
با مر و فرمایش حضرت شهنشاه افخم پدر بزرگوارم همراه
یک چند نفر معتبرین مکتبخوران در پتیربرگ ملزم گردیده
رفتم از روی ترتیب مکتبها ما بد ۷ سال خوانده شود
بنا بر خواهش پدر بزرگوار زود تر شدن تعلیمات
را سه ساله مقرر کردند در این سه سال ایام های تابستان

نیاز ملتها سته شدن به بخارا بخدمت پدر آمدم و از آنجا
میگردم مدت سه سال تعلیم علوم نظام مملکت را
حاصل نموده ختم کرده امتحان دادم از طرف دولت
عظمای روس بولیعهدی دولت بخارا مرا منصوب
گردانیده در سنه ۱۸۹۱ مسلادی از پتیرزبرگ در بخارای
شریف در نزد ذات شاهانه حضرت پدر بزرگوارم
بازگشتم چون مدت نوبتی و ملاقات قبله امجدم
مشرف شدم مرا مدت ۲ سال همرکاب بخدمت
خود نگاهداشته در نیمدت بعضی تعلیمات داخله وطن

مهدتس بحروسهٔ خود را از نسان مبارک خود تعلیم نمودند
که از آن فوائد زیاد حاصل نمودم و مرا از طرف ذات
شاهانه پدر بزرگوارم بحکومت ولایت نسف که
یکی از توابعات بخارای شریف بود مرحمت فرموده
سرافرازی بخشیدند که خلعت شاهانه را در بر و منشور
خسروانه را بر سر نهاده ماجاره پدر بزرگوارم عازم
ولایت مذکور گردیدم که اعیان حواضر و عوام
ولایت مذکور استقبال کرده ملاقات نمودند
و من نیز احوالپرسی نموده سرافراز مراحم خود گردانیده

داخل قورغان ولایت نسف شده همه کلان سوند کلنرا
مارگیاد داده خورسند و ممنون گردانیدم مدت
حکومت این بنده عاجز در ولایت نسف ۱۲
سال بود در بندت حکومتم همیشه بفقرا داری و غریب
نوازی کوشیده دادمظلومانرا از ظالمان ستانیده
بحق افتاده گان ترحم نموده اهالی نفوس ولایت
مذکور را از خود خورسند و ممنون مگردانیدم نزدیک
ولایت مذکور یک دریاچه نام عبور مینمود که به
گذشتن آن اهالی فقرایان راحتی در تشویش دیده

برای آسایش اهالی مدرسای مذکور یک پل از سنگ
آبک بنام خود بنا نمودم که فقیر فقرا مان از تشویش
مخلص یافته مانسودگی باشند و دیگر برای بنای مدارس
وعبادتخانه هائی موفور بنظور داشتم بعد از این ۱۲ سال
حکومتم دات شاهانه پدر بزرگوارم مرا در حکومت
ولایت ما در خراک مشهور به کرمینه که انهم یکی از
توابع دار الفاخره بخارای شریف بود انتقال داد
به ذات شاهانه خود نزدیک آوردند از حکومت
ولایت نفت به ولایت کرمینه حکمران گردیدم

در این ولایت مدکور مدت ۱۲ سال حکمرانی نمودم در
این اثنا دات شاهانه حضرت سید السر عبد الاحد
خان پدر بزرگوارم بتقدیر الهی سر فنا را از گریبان بقا
بر آورده رحلت نمودند مدت سلطنت حضرت
شهریار ذوالاقتدار پدر بزرگوارم ۲۶ سال بود
در دیم ماه محرم ۱۳۲۹ هجری مطابق سنه ۱۹۱۱ میلادی
تخت سلطنت مروثی بجای پدر مرحوم مغفورم در بند
پادشاهی نشستم عموم نفوس نجارای شریف باین
بنده عاجز دست بیعت دادند ؛ ؛ ؛

بعد از جلوس این بنده درگاه آن مراحم ملک له ملک
خود را نصب العین آمان نطریق اعطاء معاف نموده سر افراز
گردانیدم بعد از گذشتن یکسال با نظام مملکتداری
و فتراتروری کوشیدم و در بنای انتظام و آبادی
دولت بخارا سعی موفور بظهور آوردم به بنای مدارس
و عمارت خانه ها شغل ورزیدم برای تعلیم هر علوم تردد
بلیغ داشتم در نزدیکی ارگ بخارای شریف مالامال
حوض بنا نمودم نام خود بمسجد عادلخانه نامزد نمودم
در تحت منار بخارا بدرون بارا یک مدرسهٔ دار العلوم

بنام خود نامنموده برای تعلیم هر علوم معلم تعیین فرموده
برای مصارف و معاش و پوشاک طالبان
در مدرسهٔ مذکور استقامت می ورزیدی از طرف
خود یکنفر ناظر تعیین نموده خوراک و معاش و پوشاک
در وقت معیّن میرسانیدم و در آمادی اسواق
و طرق حسنی سعی داشته در مدت شش سال حسنی
مملکت بخارا را آباد نموده زیب و زینت دادم
از تردد سعی کوشش تعلیم بخارا و ممالک ها حسنی
ممنون بودند مذبذ شکرانه میبود نکه برای ملت خود

خدمت اردشم مسافرت را مسکنم نبده عاجزرا در
ممالک توران مدت سلطنتم ده سال بود
بعد از انقضای ده سال همراه دولت سویت
جمهوری بلشویک مقدمه نموده اجرا امر مدولت
افغانستان بخارا عزیمت نمودم

« حکایت محاربه بلشویک »

حکایت مقدمه همراه بلشویک کردنم وبخارا را
اختیار نمودنم برای مادگار ناظرین تحریر مدارم
ما از احوالات سرگذشت خود واقف گردانم

چون دولت بخارای شریف از عهد سلطنت
حضرت سید امیر مظفرخان مغفور الی زمان سلطنت
سید امیر عبدالاحدخان مغفور مرحوم پدر بزرگوارم
تا زمان مدت سلطنت این بنده عاجز در بخارا
بود تا وقت استقرار سلطنت دولت معظم روس
مدت ۲۶ سال این جانب دوستی و آشنائی
ظهور رسیده دوستی دولتین برقرار و بر دوام بود
از آنکه در وقت حضرت دولت روس با دولت
بخارا معاهده نموده در معاهده شان از خصوص عالی

واکات حربی ارتجارا موقوف شده برای اسباب
حرب و عسکریه دولت روس خود ذمه دار
گردیده ۱۲ هزار عسکر مقرر شد برای محافظت مملکت
هرگاه اسباب عسکر لازم میبود از طرف دولت
روس برای دولت بخارا مهیا بود تا زمان بودن
دولت ایمپراطوری سوعسکر و آلات حرب
دولت بخارا هیچ احتیاج نداشته باشد حالی
حکمرانی نموده و بابادی مملکتها میکوشیدم بعد از
این چنین انقلاب دولت روس این بنده

درگاه آسرشته وتردد دولت خود سعی بلیغ
نمودم تا بتقدیر حضرت خداوندی از
جماعه روس بگذشتی مردمان بی اصل و شخصان
حاصل پیدا کرده رخنه بدولت عظمای روس انداختند
رایحود متصمم نموده مردمان را تکلیف داده هرجا
که این قانون بی اصل استخاصی که رغبت داشتند
مجتمع گردانیدن آخرالامر دولت ایمپراطور روس
را از قرای سلطنت فرود آورده از جماعه خود ها
چند نفر کلان برداشته حکومت خود ها را مجلس سورای

موقتی نام نهاده کرین السکی نام رارئیس جمهوری
برداشته اسدولت موقتی ها شان چند ماه دوام
نمود ازطرف حکومت جمهوری کرین السکی مذکور
پیرا جنپی نام یکی وکلای آنها وزیر تجارگردیده
در دارالفاخره تجارای شریف آمدنی شده وارد
شد همراه این بنده عاجز ملاقی گردیده گفت و
شنید و معاهده دولتین را اجرا نموده استقلال
دولت تجارا باین بنده عاجز داد معاهده نموده
امضاء کرد و انس مرخصت نمود دات شاهنامه

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن بمراد
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
بظهور آورده از طرف دولت بخارا نیز توره
خواجه و ملا قطب الدّین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفر فی را نیز بنمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیس در مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور نیز خواب موافق داد بعد من به ملیونکها اعلان
کردم که باید بخارا را تخلیه نمایند ملیونکها مقاومت کرده
باعث کرا انگلیزی محاربه کردند

آنجہرت سید امیر عبد الاحد خان

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن بمرام
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
نظور را آورده از طرف دولت بخارا وزیر توره
خواجه ملا قطب الدین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفر علی را نیز بنمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیس در مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور نیز خوشنود موافق داد بعد من به ملوکهای اطراف
کردم که با دولت بخارا دشمنی نمایند ملوکهای مقارنت کرده
باعث کرا انگلیزی محاربه کردند

در این ضمن میرزا سلیم سمک سروانی و عبدالرؤف
کاروان باشی را برای راهنمائی عساکر انگلیزی به
چهار جوی فرستادم ولی بمحض ورود آنها به
چهار جوی عساکر انگلیزی مهاجرت کرده بودند
بمجرد یکه دولت افغانستان همراه دولت بریطانیه
محاربه تمام نمودن بعد از طرف دولت افغان
جرال محمد ولی خان وزیر مختار گردیده به دولت معظمه
بخارای شریف آمده ذات شاهانه را هم راملاقات
نمودنی شده از طرف اعلیحضرت امیر افغان تحفه

بسیار آورده باین سده عاجز تسلیم نموده همراه
وزیر مختار ملاقات نمودم در اثنای مصاحبت
از این بنده عاجز مقصد شخصی سئوال نمود نخواب
آن گفتم عین مشوره همین خواهد بود که همراه بلسونگ
آغاز حرب نمائیم زیرا که همین فرصت نهایت
دلالت در ضعف دشمن دیده میشود وقت
را غنیمت دانستن لازم لامدی است از انکه
این وزیر مختار مرصوف شخصی دوستین و هواخواه
دولت اسلام میباشد برای من چنین پاسخ داد

که شما همراه دولت افغانستان یکی هردو بردار
هستید یکی شما الحال در مقابله دولت برطانیه
کمر بسته اعلان حرب نموده شما هم از انطرف
با دولت متبوعتان همین رفتار نمائید ما دخالت کرده
بواسطه شما هردو برادر خدام ملت نسبت خرابی دو
دولت معالم اسلام ظاهر گردد و تعجیل نکار نیزند تا که
دیده شود که کار برادران ما کجا انجام خواهد یافت
بعد از آن بصلاح و مشورت یکدیگر کار نمائید بهتر خواهد
بود چونکه گفتار این وزیر اعظم عین صواب بود

خبریت حود را بهمن دانستم و این امر را نسبی
خاطر خود داشته چند دفعه صورتهٔ خود ختم
محمد ولیخان از طرف دولت بحارا به طرف دولت
روس مراجعت نمود علیحضرت امیر افغان
بطریق روابط استحکامات دوستی فضل احمد خان
مرکند نظامی بمبع دو صد نفر عسکر به و بلد سته تورپله
و ۷ توپ ۷ عدد فیل برای من روانه کردند در
این اثنا برای بنده نوشته مکتوباری به دولت
موقتی جمهوری کرن اسکی از طرف خود این بنده عاجز

میخواستم که شخص معتمد خود را و فد خود محارگردانیده
فرستاده تجدید المعامده و امضاء نمایم دولت
موقتی مذکور مایدک فرصت در بین خود نداشتن
انقلاب پیدا کرده دو قسم شدند یکی مشویک
و یکی بلشویک هر دو جماعه باهم محاربه اغاز کردند
لهذا خیلی در بین ایشان مقابله و مقاتله افتاده
اخر الامر دولت روس در بلشویکی قرار یافته همگی
کلان شوندگان روس بهر دولت پراکنده شده
پناه گزین گردیدند فانون این جماعه بلشویک بهیچگونه

دانسته و دیده نشد چونکه همیشه در تردد و تجسس
این جماعه بحرانی حکومه و دیرانی ممالک و مفقود
نمودن ادیان و عبادتخانه های خود بوده
بهر جاکه شخص متعبر و دولتمند را میدیدند از هر فرقی
عارت و تاراج نموده قتل او را به خودها لازم
میشمارید به قول ایشان هم اعتماد کرده نشد در این
اوقات این نبذه عاجز برشته ممالک بخارا
رجوع نموده سعی و کوشش در زدن جماعه ملوک
باین قانون بی اصل و نسبب باطله و سلوک فاحشه

که قصد صمیمی داشتند اجرا نموده ممرور ایام
این سلوک شنیعه ایشان بدولت متبعشان
نجار اسرایت نموده بسیطان حامل و مردمان
بی علم سلوک بی اصل روسیه بلشویک را
مصمم خاطر و باجراء آن سعی داشتند قریباً
۱۱۷ نفر با مردمان بی فرهنگ و ناشکیبای اتفاق
و مجمع گردیده دو نفر از کلان آن جامعه فیض آلسه
خواجه یوف و میرزا یحیی الدین منصور اف نامان
ممفدان بلشویکی مقصود خود را ظاهر داشته معاونت

خواستند جماعه بلشویکی بر کمک مفسدان جدیدی
شده کالیسوف نام در راه آهن کاکان
بخارا آمده در ماه جمادی الثانی ۱۳۴۶ هجری
روز نشنبه اعلان حرب داده همراه دولت
بخارا محاربه آغاز نمودند بعون عنایت الهی
و بمدد شریعت سنوی با وجود کمی اسبابی و آلات
حربی ظفر بحمایت اهل اسلام بخارا شده این
مفسده ظفر یافت تا شوکتان مطلوب خود نارسیده
رضا بصلح دادند این بنده الصلح خیر را ملحوظ خاطر

داشته اصلاح نموده منعقد گردیدم بعد از این
محاربه از طرف لنین و تروتسکی رئیس بلشویکی
الیاوا و بورودید و نام وزیر مختار گردیده و
به بخارا آمده همراه این بنده عاجز گفتگذار
نموده استقلال تامّه بخارا را برای من داده
و عده اسباب و آلات حربی نموده قبل از
این یکصد سال هر جا که خاک دولت بخارا بود
برای من تسلیم نموده چنین ۵۰ هزار مسلق بخصد
توپ پولی مرطبخانه اردوبلان ۵۰ ملیون صوم طلا

وعده آوردن نمودند وازطرف دولت
سویت اکس روت نام راه دولت
نجارا سفیر تعین نموده بطریق استحکامات
دوستی در مقابل دولت افغانستان امداد
توپ بی عوق برای من بخشش گویان از
تاشکند فرستادند حصه بودن معاملات
ماشوتکی را ازاین توپهای بی عوق دانسته شدم
این سنده عاخر معاملات ماشوتکی وسفیر آنرا موافق
معاهده شان ندیده وخاطرم محاطره پیدا شده

برای سر رشته انتظام عساکر و آلات حربی ؛
تردد و سعی نمودم نفرصت ۲ سال گماشتن
عساکر و آلات حربی در بخارا اندکی جمع آورده
بدرجه انتظام رسانیدم چون حمایه بلشویکی قانون
خود را اجرا نمودند از هر طرف بلشویک ها سر برداشته
مقابله و مقاومت نموده بلشویکی را بی قوت کرده در
اضطراب انداختند راههای آهن روسی را برداشته از
هر طرف که مقدمه الجیش دولت بلشویکی چنین ؛
ضعیف گردید این بنده عاجز نخاطرم مصمم داشتم که ؛

جماعه بتوتک اندک فرصت حاصل نماید بسته انتقام
خود را از دولت خوارزم خواهد گرفت در این اثنا منازعه کر
خود را حرکت داده اغاز محاربه ایجاد کردنی بودم
حکومت خوارزم هم برای من معاهده نموده در زیر
ادارهٔ من آمده با هم همراه بتوتک محاربه نمودنی
خواهش داشتند مگر دولت بتوتکی زور بزور رو
در ترقی نهاده این معاملات؛ وقت گرفته
فرصت گرفت لهذا این بنده عاجز نیاز موای
زمان بگذشته از طرف خود در زدن و تروتسکی

وفد نموده فرستادم تجدیداً معاهده و امضاء نمودنی
شدم فی اعتباری دنی عاقبتی این جماعه را چون
میدانستم اگر همراه این رنگ حکومت نی اصل و نی
عاقبت معاهده نمائیم در نزد دولتهای عظمای خارجه
سبب بدنامی دولت نگارا خواهد شد از خاطر خود
این معنی را دور داشته فقط فی مطلب و فی مدعا به
طریق مبارکباد نمایم موافق زمان انقلاب ۵
نصرخان مهدیخان حاجی جورابچک طرق سایه غیب الله
خواجه حاجی میرزا لورونزی و یکنفر دیگر در تر دلین

وتروتسکی بسکو فرستادم از آنجا که دولت بخارا به
اندک فرصت چیزی بدرجه انتظام دیده شد
و نفقت هم مذهبی اسلامی ما هر دو برادر را خرج
یک بدن ساخت و با دولت افغانستان
معاهده و دوستی اظهار گردید از این خصوص حمایه
منسوبی رسک برده اگرچنین دولت بخارا آهسته
آهسته بدرجه انتظام رسیدن گیرد دولت
جمهوری ما با آن را بحال سرشتی و مبتلای رنج
کلفت خواهند نمود و حال کم اسبابی لازم که

رشته آن کوشیده خود را از این محنت خلاص
نماییم تعداد این روز روز معاملات تجاری با
دولت بخارا تنگ گردیده مطلوب های از غیر
قانون اجرا نموده هر زمان آغاز حرب را پیشه
کرد بموقع از فقرا این بخارا را از راه دستگیر نموده محکوس
ملیاخته آخر الامر دشمنان دولت اسلام عساکر
و آلات حربی را خیلی جمع آورده میخواستند که در
بخارای شریف قصد هجوم نمایند این بنده عاجز
در مقابله دشمن عساکر خود را مهیا نموده جمع آورده

بهراطراف لشکرگاه خط آهن کاکان بخارای
شریف مسلح گردانیده انتظام عودم قوم ملوکی
چاپلوسی های زیاد نموده رابطهٔ دوستی اجزاء
کرده لباس مکر و فریب در برکرده سرتدبیر از
گریبان شطنت وفتنه برآورده از برای اصلاح
بکیفیت رابوف نام وزیر خارجه وکیل مختار نموده
از ناشکند فرستادند وکیل مختار مذکور در نزدیکی
مذبوحه بحاضر آمده ملاقی شده عذرخواهی کرده گفت
وشنید و معاهده نموده التماس نمود که دولت

اعلیحضرت سید امیر عالم خان

بهراطراف لشکر خط آهن کاکان بخارای
شریف مسلح گردانیده انتظام عودم قوم عربکی
حاکمی بادی زیاد نموده رابطهٔ دوستی اجزاء
کرده لباس فرو فریب در برکرده سر بزیر از
گریبان شطنت وفته بر آورده از برای اصلاح
بگیر برادر نام وزیر خارجه وکیل مختار نموده
از ناشکیبی فرستادند وکیل مختار مذکور در نزد ان
مذبوح حاضر آمده ملاقی شده عذر خواهی کرده گفت
نشستند و معاهده نموده التماس نمودکه دولت

روس ازاد ان ۵۵ سال اینجانب با دولت بخارا
دوستی و آشنائی نموده تا حال دولت مایان از
دولت بخارا منفعت های کلی دیده هیچ ضرری در
بین دولتین واقع نشده میخواهم که بعد الیوم هم درین
دولتین دوستی و آشنائی بظهور رسیده از
دولت شما اعانت و منفعت یابیم هر قدر رحمت
دولت شما باشد دولت جمهوری مایان به تعدتم
میرسانیم لکن رجا مندیم که عرگز خود را از مندرات
خط آهن ما بردارید تا که مایان استحکامات مندرات

خود را خراسیم نمود عساکران مایان مردمان وحشی
و نادان هستند مبادا عساکر شما را دیده مقابلت
نموده باعث شرمساری مایان در نزد دانا
شاهانه شما گردد هر چیزی که خواهش و رضامندی شما
باشد بر جا خراسیم نمود مایان گفت و شنید معاهده و
امضاء نموده بجای خود مراجعت نمود یکچند نفر از
فقرایان راکندر را دستگیر نموده نگاه داشته بودند
که آنها را رخصت داده فرستادند ؛

این بنده عاجز ارسندرات مذکور عساکر خود را مقدار

سه پل راه از اطراف پل تعاقب نموده استحکام
کردم و در مندرات مذکور بقدر ۴۰ نفری قراول گذاشتم
که شاید مابین مراسا با فقیر فقرا، ان از زیر ظلم دشمنان مخلص
خواهند یافت دشمنان تا اتمام مابین نزدیک مرا
غافل ساخته بدون اعلان حرب بی خبر بمثل قطاع الطریق
شب یکشنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۹ ساعت ۱۲ شب در
بالای مستحفظین و سره داران آمده هجوم نموده همگی قراولان
که در اطراف خط راه آهن هر جا مأمور بودند تقریباً ۱۵ نفر
را بندی کرده در همان وقت در بالای عسکران بخارا،

مراجعت نموده قصد هجوم کرده محاربه اغاز نمودند تا
وقت ساعت ۲ بعد از نصف شب جنگی عاکرد و
آلات حربی جمع نموده توپ زنی و تفنگ برانی
با عرّابه های آهن پوش و مترلیوزهای آهن پوش
آغاز محاربه نمودند ۱۱ عدد طیاره در بالای شهر بخارا در
هوا در پرواز آورده بومبه باران نمودند این بنده
عاجز مجبوراً عکر خود را پیش برآورده رضا به
تقدیر الهی داده مدتی چهار روز شبانه روز محاربه نمودم
در این اثنای محاربه دشمن قریباً نصف شهر بخارا را

به توپ و بمبه باران آتش داده
تلفات زیاد مرده مسلمانان بیچارگان گریان و
پریشان از دست دشمنان مال انجام زن و
فرزندان خود را پر تافته حیران هر طرف پراکنده
شده میرفتند با وجود آن این بنده عاجز هم شب
در روز همراه دشمن محاربه و مقاتله مینمودم از بسکه تلفات
و خرابی به کثرت عوق ترب همه باران در شهر بخارا
زیاده شده فقرایان بیچارگان در تشویش افتادند
بخاطر خود اندیشه نمودم که آیا این بنده عاجز از این

بلده بخارای شریف بحرکت را اختیار کنم باعث
تسکین خرابی گردیده فقیر فقرا این بیچارگان از این
حیرانی و اضطراب روبه آسایش نهاده باشند
روم چهارشنبه ۴ لغایت از طهر سواره با یطوان مرافق نهضت
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم بحرکت را اختیار
نموده از باغ شاهی ستاره ها خاصه برآمده بطرف
توپان کاتات و خرقان رود دینی عجدوان روانه
گردیده در آرق بمرکام عبدالشکورخان سفیر افغانی
و سرکه نظامی محمد اسلم خان میرسکار سفیر ناشکند و قاضی عسکر

افغان و پست و پنجهزار نفر غلمه و عسکریه بخاری و عساکر
افغانی همراه بودند آمده نزدیک نخجوان رسیده
آنشب اقامت ورزیده نشستند از هجوم نفیر و فغان
معه زن و فرزندان گریان نالان از تعاقب افتاده
یکهای روز نشسته مذکور در نخجوان تعرشخانه ام رسیده
تخمیناً ده هزار نفر زیاده همگی بغلغله و گریندگی روز فراق
را منظر خود مشاهده نموده خود را بر زمین میزدند بعضی
اشخاص در این غم واندوه جدائی را به تقدیر الهی
جان بحق تسلیم نموده برحمت خداوندی شرف شدند

این بنده عاجز در این بیچارگان الم رسیده نصیحت
و دلبرداری نموده نسلی داده در هر بیچارگان دعا نموده
و در حق خود دعا گرفته فقیر فقرا یان بیچارگان مانش
و انطرف مانده ارادهٔ شرقی بخارا نمودم بمدت ۸ روز در
ولایت قورغان تپه تابع بخارا رسیده یگانه روز
در آنجا استاده مگام عبور از غجدوان ناگهان
عرابه واگون آهن در پیش پیدا شده وراه را بر روی
بلیوایان بست در آنموقع چند نفر از بزرگان واطرافیان
من از قبیل عثمان قوچ بیگی قاضی القضاه برهان الدین

رئیس عبدالرؤف کاروان باشی یوسف بی تعیم بے
دستگیر شدند از ولایت مذکور در تردد بمقام راه
دشمن گردیده عساکر و فقرایان را جمع آورده از
بندر موضع در بند نالے ولایت بالبرن مش دشمن
را بمقام نموده شروع محاربه را ایجاد نموده واپس
در ولایت حصار شرقی بخارا آمده استمداد از ولایت
حصار مدت شش ماه همراه بلوک بخارا محاربه و مقاتله
نموده در بالای محاربه وزیر حرب تغانی ام محمد سید
پک پروانچی و مامورین محاربه عبدالحفیظ پروانچی

ابراهیم بیک سرعسکر نظامی بودند در اینوقت
شش ماه جنگ محاربه و مقاتله شده آخر الامر جماعه ینگیچری
لشکر محاربه مذکور مانده از سکوت جنگی عسکر و آلات
حرب جمع آورده یکباره در بالای لشکر به اسلام
هجوم نمودند از لشکر اسباب و آلات حربی در
عسکران اسلام کم بوده مدت ۱۰ روز محاربه و مقاتله
نموده تاب نیاورده عاجز در تردد امانت و امداد از
دولهای خارجه نموده از ولایت حصار به ولایت
کولاب گذشته در ولایت مذکور ملا محمد ابراهیم بیک

دیوان بیگی و دولتمند بیک دیوان بیگی سرلشکر از
جماعه از بیگلربیگی بخارا بود خلی مدولت بخارا حد میهای
لائق وجان نثاریهای صادق نموده رضا مندی
این بنده عاجز را باز یافت کرده بود لشکر باز گشت
ها را بحضورم واصل گردانیده سپارش نمودم که این
بنده عاجز مدار السلطنه کابل رفته تردد امداد کند
سعی نمایم اگر از جائی برای من کمک واعانت
رسد تا سرشته آزاد بده آمدنم شما همراه عساکران
حوذ پیش دشمن را نگاهداشته سرشته اسپند

حالا هجوم دشمن زیاده شده استاده است
اگر سندران سرشته نیاید تلوتش فقر فقرایان
خواهد شد تا رسیده آمدن من فقیر تجارکان
باسوده حالی باشند این امرها را تعین نموده
بجاهای معین فرستادم محمد ابراهیم بیک دولتمند
بیک موصوف رخصت من مراجعت نموده
سندرات راه دشمن را استحکام نموده خود این بنده
عاجز ارنالای ولایت کولاب ارگذر کاه درقند
اردوای آمویه یوم چهارشنبه ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۴۹

عبور نموده داخل خاک افغانستان گردیدم سرکد
نظامی مأمور سرحد افغانستان عسکر خود را نظام کرده
با استقبال بنده آمده سلامی کرده در موضع
عبدالنظر پلکه تا بتی رستاق قونوش تیار کرده
کرده بوده اند که در آنجا استراحت نموده یوم پنجشنبه
۲۴ ماه مذکور برستاق رسیدم محمد اعلم خان
سرکد مذکور پنجاه صد نفر از عسکر خود را با استقبال
پیش برآورده یازده توپ سلامی نموده بعزت
داری داخل رستاق شدم مدت ۲ شب در انجا

گذرانیده خبر گذشتم را بحاکم قطفن فرستاده
یوم شنبه ۲۵ ماه مذکور از رستاق عازم قطفن
گردیدم پسر نایب الحکومه همراه یکنفر متعینین آن
ولایت باستقبال پیش برآمده در اثنای راه همراه
این بنده حاضر نموده ملاقات نموده همراه بطرف
دراالحکومه روانه گردیدم محمد اکبر خان نائب الحکومه
مذکور و مین مین خان نائب سالار عسکری با توپ
موزیکه تحمین یک فرسخ پیش برآمده استقبال
نموده ۲۱ توپ سلامی کرده همراه من ملاقات کرده

یوم چهارشنبه ۲۹ جمادی الثانی داخل دارالحکومه قطغن
گردیده در باغ شای حیات الآباد محل سکونت
مرا قرار دادند مدت ۳۵ روز در آنجا سکونت
ورزیدم در این اثنا از طرف اعلیحضرت امیر امان الله
خان امیر افغان محمد اسلم خان میرشکار که محرم دولت
این بنده عاجز چند مدت بود و بلدیت داشت
برای مهمانداری معرفی نموده فرستاده بنابر تسلی
خاطر از طرف خود خطاکرده مرا مدار السلطنه کابل
در نزد خود تکلیف نمودند که باهم ملاقات کرده برای

شرسته کارها کوشش نمائیم در وقتیکه این بنده عاجز
از دریای آمو به طرف افغانستان عبور نمودم تا
نخمیناً شصت نفر از نوکره معتبرین بخارا همراه من گذشته
بودند و نیز برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردمان نخمیناً یک لک نفر گذشته
در نزدم جمع آمده بودند ازین جماعه نخمیناً هفتصد نفر
از جمله اشراف اهالی بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنهارا بهر جای نایب افغانستان تعین نموده
خود همراه پنجصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم

جنرال حاجی یوسف منعم‌باشی وکیل امریه بخارا

شرسته کارهای دشمن نباشم در وقتیکه این مژده عاجز
از دریای آمو به طرف افغانستان عبور نمودم
تخمیناً صد نفر از نوکرهای معتبر بخارا همراه من گذاشته
رفتند و نیز برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردان تجهیز دیده گذرانده شته
در نزدم جمع آمده رفتند از این جمله تخمیناً هفتاد نفر
از جمله اشراف اتالیق بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنها را بهرجای نایب افغانستان تعین نموده
خود همراه هفتصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم

مدت چند یوم راه گزارنیده یوم چهارشنبه نشتم
رمضان ۱۳۳۹ مدار السلطنه کابل رسیدم که برای سکونت
بنده عاجز باغ شاهی قلعه مراد بیگی را تعیین نموده بودند
که آمده باینجا قرار گرفتم از طرف اعلیحضرت امیر افغان
یک ده نفر از درباری وامراء باغ مذکور آمده
استقبال نموده تا بیا اعلیحضرت امیر افغان این
بنده عاجز را همراه چند نفر از معتبرین خود آشنا
ملاقات نموده بجمال همدیگر مشرف گردیدم و نیز
دولت افغانستان مدت یکماه مهمانداری نموده

بعد از گذشتن یکماه مبلغ ۱۲۰۰۰ روپیه کاملی برای
مصارف متخارج هر ماهه مقرر نموده اند این بنده عاجز
برای تردد سرشته کار خود سعی و کوشش نمودم
سابر اراده الهی موافق تقدیر نصیبه تردد ها هم کارگر
نشده رسیدن امداد و اعانت از نظر دور بود
لهذا رضا به تقدیر الهی داده به دارالسلطنه کامل
اقامت ورزیدم چون من امانت را اختیار
کردم دانت شاهانه اعلیحضرت امیر افغان ارتحلت
جنب کامل فلعه قندهار نام پادشاهی را برای من بخشش

نموده ۱۲ هزار روسیه که برای هر ماهه مخارجم مقرر نموده

بودند چهار هزار و پنجصد روسیه تنخواه فرستادند

چون وقتیکه از خاک بخارا در افغانستان گذشتم

جماعه بلشویکی پیش آمده همراه محمد ابراهیم بیک

دیوان بیگی موصوف محاربه اغاز نموده مدت

چند روز باین منوال گذرانیده ما سر قلت آب

و زیادتی تحریم دشمن عساکران لشکرمانی مدبر

خودها را هر طرف در بالای کوه پنهان نموده

بودند دشمن در تردد افتاده فقرایان را از هر جا

دستگیر نموده آورده زیاده ظلم وتعدی از حد
افزون ایجاد کرده اند ملا ابراهیم یک دوران
یکی لشکر باشی موصوف عساکران خود را جمع نموده
سرشته آنها را دیده پیش پیش در هر قریه که دشمن
آنجا ساکن بود در فسه هجوم نموده اسباب والات
حربی جملی جمع آورده فقرا بان ومظلومان را جبرا
داده ما یدک فرصت قریب یک ده هزار نفر
جمع آورده در بالای ممالک کولاب وبلخوان
هجوم نموده این دو ولایت را از دست دشمن

محلض داده مصرف گردیده بدار السلطنه کابل
مابین بنده عاجز کیفیت احوال خود را نوشته
با همراهی یکنفر از سرداران عسکره خود فرستاده
مذکوران در نزد من رسیده کیفیت احوالات
وخدمتهای ملا ابراهیم پیک موصوف را رسانیدند
در این اثنا ابراهیم پیک دیوان بیگی خود
در بالای ولایت قرای یکتن و داروتر رفته
هجوم آورده این ۲ ولایت را هم متصرف شده
این کیفیت خود را برای من اطلاع داده فرستاد

از این غیرت و مردانگی ملا ابراسیم بیک مرصوف
خیلی ممنون گردیدم از طرف خودم ما برا میم بیک
مدکور منصب رفیع بخشیده احکام برای محاربه
نموده اجازت دادم از ابراسیم بیک مرصوف
مدت ۷ سال همراه بلبو بیک محاربه براه ملت
اسلام و براه این بنده حاضر نموده در آشنای
محاربه دلاوری تا نمودگی و کارزار کرده گی خود
را همیشه برای من اطلاع میداد
چون ملا ابراسیم بیک مرصوف بعد از احکام

مرا مدت آوردن لشکر به خود را جمع آورده در بالای
ولایت حصار رفته مقدمه نموده خلی مقابله و مقاتله
کرده آلات حربی و خزانه غنیمت گرفته ارک
ولایت حصار را محاصره نموده باین بنده عاجز
احوالات خود را اطلاع داده محاهدان حدت
کرده خود را معلوم نموده بود که این بنده عاجز برای
محاهدان راه اسلام منصب رفیع و ترقی درجات
اشان را فرمان مهر و امضاء خود ترداده نمودم و
هر بار برای احوالپرسی از طرف خود دار دار السلطنه

کابل یکنفر دو نفر آدم فرستاده احوال میگرفتم که
از طرف من رفته احوالپرسی نموده میآمدند ایرا یکم
بیک موصوف هیچ امورات کار خود را بی اجازت
من اجرا نمیکرد در این اثنا ولایت حصار
را محاصره نمودن از طرف بخارای شریف اورباشا
ترک همراه ۲۷ نفر ترکیه بطرف بخارا آمدنی
شده در ولایت قورغان تپه در نزد عاکران
مجاهدان رسیده عاکران مذکور این کیفیت
آمدن اورباشا را عملا ابراهیم موصوف اطلاع

داده اند و لشکر باشی موصوف این معنی را باین
بنده راجع داشت موقوف برضای من گذاشته
کیفیت را او تشریف فرمائی دارا خلیفه المسلمین
سلطان رشاد خان حامی را نوشته فرستاد
من از این خبر واقف گشته با ابراهیم ملک
فرمان نوشتم که انور پاشا در خصوص محاربه بخصص
صاحب تدبیر و کارگزار بوده لازم که شما نیز
داری در نزد خود آورده سرپرستید اگر حدت
ملت اسلام را احراش داشته باشد از طرف دات

علما وکالة حضرت والا بخوئی از دریا گذرانیده
ماین صورت روانه نمائید از روی فرمان این
بنده ملا محمد ابراهیم ملک عساکران مجاهدان
را جمع آورده استقبال کرده بعزت داری
انور پاشا را در نزد خود آورده حضور مقدس شهنشهی
او را استفسار نموده انور پاشا خواهش حضرت ملت
اسلام نموده همراه ابراهیم ملک مذکور به
حضرت مقدس گردید و نیز ملا ابراهیم ملک مزبور
در ولایت حصار بجوم آورده کامیاب گردیده

خیلی از ولایت مذکور خزانه و آلات حربی غنیمت گرفته
ولایت مذکور را بخود مرکز نموده در ما لای ولایت
ده توتالسون خزانه آماده قرشی حرکت کرده
کیفیت احوالات خود را باین بنده عاجز اطلاع
داده و من از طرف خود برای ابراهیم بیک موصوف
یک قطعه رضا نامه و یک قرآن شریف و یک
دست خلعت نظامی رزدار مرحمت فرموده فرستادم
و سرافراز گردانیدم حرن اطراف و جوانب
شهر بخارا و تو مانهای بخارا محاربه ابراهیم بیک را

را واقف گشته اهالی فهرایان اطراف شهر
نخارا و توابع مجدوان و بیرمیت و وانکند
خواجه عارف و خشقرود و غازنه و قراکول قریب
۱۵ هزار نفر جمع گردیده یک عرض تابی داری
وحدا کاری ها بین بنده عاجز نموده تملا ارا نسیم یک
خط کرده فرستاده بودند ملا ارا نسیم یک
عرضحال آنها را در نزد من فرستاده برای سرداری
آنها از طرف من التماس کرده لهذا غرایض
فهرایانم را منظورم گردانیده ملا عبدالغفار نام

یکی از معتمدین همرکاب را برای سرداری در بالای
فدائیان فداکاران بخارا معرفی نموده از خود جماعه
مذکور یکصد نفر از هر جماعه برای سرکردگی تعیین کرده
از طرف خود فرمان نوشته فرستادم که ملا
عبدالغفار موصوف سرحد من مراجعت
نموده در شرقی بخارا در نزد ملا ابراهیم بیک
موصوف رسیده ملاقات کرده از آنجا به
طرف بخارا گذشته در نزد جماعه فدائیان
کاران بخارا رسیده از طرف من احوالپرسی جماعه

مذکور را نموده بعد از آن سررشته انتظام آنها گوشید
همراه بلشویک اغاز محاربه شروع نموده بجان
ستاری برای ملت مفید گردید که انشاء الله محاربه
وکارزاری های فداکاران راه دین بخاری برشته
را تحریر خواهیم کرد چون در شرقی بخارا اوزبکها
در نزد ابراسیم بیک مدت یکسال بصدق و
اعتقاد خدمت دین را نموده دراین اثنا ها
چند ولایت شرقی بخارا را متصرف گردیده
بخارا را از دست دشمن مخلص داد " " "

ثانیاً ملاار اسیم سک با اهالی فرمانروای شرقی بخارا
متفق گردیده از برای طلب این بنده عاجز به انجمن
امیر افغانستان عرضحال نموده تشت نثار ظرف
خود ها وکیل کرده مدار السلطنه کامل فرستادند کملان
مذکوران داخل کامل گردیده همراه امیر افغان گفت
وشنید نموده عرضحال خود را منظور گردانیده بودند
انوزپاشا در اینخصوص خواهش نموده بود که حالا
شرشته استحکام راه دشمن در شرقی بخارا موافق
قاعده نبوده زیرا که در مقابل ما یان بودگی دشمن ها

از قانون دولتی دولهای عظمای روی زمین الکار
میباشد ما هان بملته متعده محاربه مینمائیم انشاءالله
هر وقتیکه ولایت مانون را فتح کرده بتصرف خود
آوردیم از خدود مرخص در بند احکام نموده بعد از
آن پادشاه خود را میآریم مابین اصلاح و گیلان
شرقی بخارا واپس بجای خود مراجعت نمودند
شدند که علیحضرت امیر افغان به هر کدام آنها جنسی
شفقت و مهربانی نموده خورسند گردانیده
رخصت دادند که وکلاهای مذکور بجای خودها

نشان سلطنتی بخارای شریف

سکهٔ طلای بخارا از هر دو طرف

ضرب سکهٔ بخارای شریف

مهر دولتی امیر بخارا

از قانون دولتی دولهای عظمای روی زمین انکار
میباشد باین جمله معتقد بمحاربه ما شدیم انشاء الله
بر دشمنکه دولت ما بود فایق گردیده بصرف خود
آوردیم از خدود موضع ورمند انجام نموده بعد از
آن پادشاه خود را با سایر همراهان باصلاح و تبلان
شرقی بخارا واپس بجای خود مراجعت نمودند
شنیدیم که علیحضرت امیر افغان به هر کدام آنها خلعتی
شفت و مهرهائی نموده خورسندگردانیده
رخصت دادند که وکلاهای مذکور بجای خودها

بایگانی نسخه

واپس مراجعه نمودند بعد ازاین کیفیت در دهم
ذی الحجه ۱۳۴۵ هجری شهادت افور پادشاه
بطهور رسیده دریا لا بلجوان محاربه افتاده بروز
عید قربان انور پاشا مدرجه شهادت رسیده
بجداورا در موضع حلکن بحضرت سلطان نام
زیارت دفن نموده شد دهم دوتمند بیک حرم
به آن روز شهادت رسید از آنجمن
محاربات مردم شرقی نخارا از دشمن واقف
گشته جماعه علیه یک چند مدت به تردد

جمع آوردن عسکر شده ثانیاً در سنه ۱۹۲۵ املادی
یکباره در بالای ارابه اسم عسکر های شرقی بخارا
بحوم نموده ۲۵ روزی در پی محاربه و مقابله در بین
افتاده روز در جنگ و شب در سنگون گذرانیده

در این اثنای محاربه ملا ابراهیم سبک مرحوم
مظفریت یافته یکصد توپ و یکهزار و ۱۸۰۰
تفنگ پنج تیره سه لک عوق مسل پنج تیره ۵ تیره ۲ و ۴ و
موتر آهن پوش جنگی و ۲ عدد ایرو پلان از هوا
زده گرفته از دردن ایرو پلان چند تفنگچه مورور

غنیمت شمرده کیفیت مذکور را به این بنده عاجز اطلاع
داده بلشویکان مطلوب خود نارسیده واپس
شده ایرانسیم سبک مذکور نیز در سرشته ممالک
و انتظام عساکر خود کوشیده بعد از چند مدت
در اول سنه ۱۳۳۵ هجری ملا ایرانسیم سبک عساکران
مجاهدان شرقی بخارا را با انتظام رسانیده جمع آورده
در بالای ولایت مابین رفتن را به خود مصمم
گردانیده بود ؛

در این اثنا بلشویکان در بالای در قدیک دریای آمو

لشکر خود را جمع آورده همراه دولت افغانستان
گفت و شنید صدور انموده کارهای مدبران
اندک سخت گردیده این خبر را ابراسیم بک
شنیده از رفتن بالای بالون خود را باز داشته
بلکه نصر سر کرده خود را همراه نصف عسکرش بطرف
بالون روانه نموده خود ابراسیم بک با نیزده
هزار عسکر همراه گرفته نیز دیک صدود افغانستان
برای کمک نمودن دولت افغان در پس کوه
آمده استاده مدة چهل روز انتظار کشیده

بعد از آن معاملات افغانستان و ملوک فصله
شده معاهده نمودند این خبر را ایشیم
سیک واپس بجای خود رفتن را اریکان
کرده ملوکان از این احوالات خبر یافته همراه
۲۵ هزار نفر عسکر شوروی از خد طرف در بالای
ملا ایشیم سیک تحوم آورده محاربه اغاز
نهاده مدت ۵ شب و روز محاربه و معانقه
نموده از طرفین زیاده مردم تقتل رسیده تا
بر هجوم دشمن زیاده شدن عسکر مجاهدان بهر طرف

سراکنده شده خود را بسیم پیک همراه سه صد نفر در
بین بلشویکان مانده خیلی زد و خورد نموده احرالامر
ابراسیم بیک موصوف مجبوراً خود را به دریای
آمو به سواری اسب انداخته از دریا بطرف
افغانستان عبور نموده باین بنده عاجز کیفیت
احوالات محاربه و عبور نمودن از دریا معلوم نموده
فرستاد دولت افغانستان به نشستن
این خبر ابراسیم بیک موصوف را به دارالسلطنه
کابل خواسته شد روز مهمانداری نموده برای او بخواه

وحای استقامت معین کرد

ابراسیم بک بخواه وحای امانت راخواهش

نامبرده از دولت افغانستان التماس کرد که

من یکی از صد سگدران فدائی پادشاه نجارا میباشم

حرا نشدارم در نزد ولینعمت خود بروم و باقی

عمر خود را در آستان او شان گذرانم لهذا

ابراسیم بک را در نزد من روانه نمودند که همراه

من ملاقات کرده استقامت ورزید برای

مخارج بوسیله اش از طرف دولت افغانستان

هر ماه پنجصد و پنجاه روپیه کابلی مقرر گردید

محاربه ملا عبدالغفار در اطراف

بخارا در میان عمده گی

چون ملا عبدالغفار از دارالسلطنه کابل رخصت

این بنده در ملای مجاهدان و همراهکاران اطراف

بخارا دو ماه های بخارا رفته رسیده برشته و انتظام

عسکر کوشنده در ملای تومان عجدوان محاربه نموده

تومان عجدوان را از دست دشمن مخلص داده به

تصرف خود آورده چنانی از آنجا هم راه دین فراپیش بنده

مردم فدائی همراه گردیده انجمن اطراف بخارا را تخمیناً
ششهزار نفر ارتومان و آنکند دو هزار نفر ارتومان
وغانزه و دو هزار نفر ارتومان شافرکان نیم دو هزار
نفر ارتومان پریسف ۲ هزار نفر ارتومان خطفر و تلقه
دو هزار پنجصد نفر از بهاء الدین ۲ هزار نفر از هر جا به این
منوال جمع گردیده قریباً ۲۵ هزار نفر زیاده از هر جماعه
جمع شده از هر فرنق یکنفر دو نفر کلان شونده خودها را به
خودها سرکرده نموده همراه دشمن ارتوهان عجدوان شروع
محاربه نموده خیلی زد و خورد درین اثنا فتنه در مدت

یکماه از دست بلشویکان ۲ هزار تفنگ ۵ تیره و یک توپ
عوض ۵ تیره و یک ده عدد مکوت و شش عدد موتر آمن
پوشش حربی غنیمت حاصل نموده توپ ها را بدست
آورده در بالای ولایت نورآباد رفته از آنجا میخند
نفر کلان شونده پیش برآمده احوالات کیفیت
عسکریه مجاهدین را دانسته خود فقرایان عسکریه را همراه
ولایت نوراباد آورده بلشویکان شهر را تسخیر
کرده فقرایان ضلعی حویسندی ها موده خطبه تمام
این بنده عاجز خوانده ملا عبدالغفار از فقرایان ضلعی

اسباب حربی غنیمت حاصل نموده ولایت نورانا
را بخود سرکز نموده سرشته خود را دیده از آنجا در
مالای بخارا لورنش کرده در سرپل مهترقاتسم رسیده
دراین اثنا عبدالحمید آقدنی نام وزیر جربه صدمان
نخارا همراه ۶۰ نفر از مردم بخاری و ترکیه ذاز مردم هندبا
خیلی اسباب بش مرآمده ملا عبدالغفار را ملدمات
کرده بشهراز بون انگریزی دوبه رطموت نخشده
از ملا عبدالغفار رخصت حاصل نموده بطرف شرقی
بخارا رفته در نزد اتور پاشا و ابراهیم بیک دیوان بیگی

آمده عذرخواهی نموده بخدمت معتمد گردید

این کیفیت را الور پاشا به این بنده اطلاع نمود

جماعه ملشونیک در سر پل مهتر قاشم رسیدن ملا

عبدالغفار را شنیده با جمیع عساکرش آمده

اغاز حرب کرده ۲ شب و روز محاربه نموده ملا عبدالغفار

خبر یافته ملشونیکان واپس شده ملا عبدالغفار اطراف

شهر بخارا را محاصره نموده و دروازه بخارا را گرفته ملشونیکان

مجبور مانده بخارا را خالی کرده از اینجا راه آهن

کاگان رفته ملا عبدالغفار مدرون شهر درآمده بقدر

ما عنان السنا ده از درون شهر بطرف خطره تا
بهاء الدین رفته ده ساعت محاربه نموده انجارا هم
از دست بلشویک مخلص داده انجارا و بهاء الدین
خیلی ملا عبد الغفار عصمت حاصل کرده کیفیت خود
را برای من اطلاع داده فرستاد که از این کیفیت
مطلع گردیده از حضرت ملا عبد الغفار مذکور زیاده
ممنون گردیده برای موصوف یک تخلعت لطامی زردار
و یک تعلیکچه مورد بخشش فرستادم در این روزها
بلشویکان در اضطراب شده تردد جمع آوردن عسکر

کوشیده از طرف مسکو و تاشکند خلق عسکر جمع نموده
از هر طرف یکبارگی به ملا عبدالغفار مدد کند هجوم آورده
شهر بخارا و بهاء الدین را از دست مجاهدان گرفته
فرصتاً نگهدار لشکر مجاهدان بدست بلشویکان نیفتاده
در تردد بدست آوردن ملا عبدالغفار بلشویکان خلق
کوشش نموده شب و روز دست از محاربه نرداشته
روز بروز هجوم دشمن زیاده گردیده بلشویکان در پیش
عسکر مجاهدان دولت های زیاده مرعوب نموده.
انقلاب انداخته در پیش ۲۵ روز دو نفر برادر ملا

عبدالمهار را بشهادت رسانیده فیروزخان را
خیلی در اضطراب انداخته خزانی زیاده بر باد نمودند
لهذا ملا عبدالمهار از برای آسوده حال خود را
درچول در بین قزاقستان کشیده پنهان نمود که
باعث تخفیف این تشویش و اضطراب فیروزان
خواهد گردید بلوکهای دره الای تومان ها عسکر زیاده
گرفته بودند که مبادا عسکران طرفدار جگرته
برخواسته حرکت ننمایند فقط
این بنده از زمان شهزاد گیم الی زمان سلطنت که در بخارا

شریف معه تعلقات ولایت کردم و محاربه که
همراه بلشویک نسا بر انقلابات زمان بنمودم و لعه ارآن
بخت را اختیار کرده مدار انبساطه کامل گه گشتم
و نفوس بخارا د تعلقات و لایات آن برای
طرفداریم همراه بلشویک مدت ۷۰ سال محاربه نمودند
بطریق یادگار برای ناظران تاریخ درقید تحریر آوردم
تا که از سرگذشتم مطلع گردند
هرکه خواند دعا طمع دارم ☆ زانکه من بنده گنهکارم

تمت تمت

فصل دوّم

یادداشت اعلیحضرت سیّد امیر عالم خان امیر بخارا که در تاریخ سپتمبر ۱۹۲۰ توسط نماینده وکیل مطلق خود خیرالله حاجی یوسف بی مقیم بمجمن اتحاد ملل تقدیم گشته است:

جغرافیای طبیعی

مملکت بخارا در سواحل سرمی آمو دریا یعنی از پامیر روسیه تا دشت وسیع خیوه امتداد دارد دشت از محاربه روسیه با بخارا ۱۸۶۸ و تصرف حکومت

بلشویکی ۱۹۲۰ مملکت بخارا از طرف شمال محدود
بصحرای قزل قوم و رود خانه سیر دریا از طرف مغرب
به خاک خوقند از حدود افغانستان و از شرق
به بلاد ترکمن و دشت خوه میباشد

نفوس بخارا ۳ ملیون و نیم نفر میباشد و مساحت آن
۲۲۵ هزار کیلومتر مربع است یعنی قریب ۳ برابر مساحت
ایطالیا است قسمت عظیم نفوس آن از یک
ترکمن مرکب از قزاق تاجک یهودی و عرب هستند
قسمت غربی بخارا بغیر از سواحل امو دریا قابل کشت

در زراعت نسبت بر عکس نواحی بر دنک به رودخانه
خیلی حاصلخیز است اهالی دره‌های قشقه دریا.
سوزنجان در بازار افغان کافر نهنگ وعیش
بزراعت میپردازند آثار تمدن قدیمی در شهرهای
قرشی کتاب شهر سبز عذار بخارا ضیاء الدین
کرمینه چهارجوی کرکی مالسون قره تاغ کولاب
مالخوان شراباد حصار دوشنبه فضل آباد،
وغیره هنوز نمودار میباشد قسمت شرقی بخارا
را کوههای عظیمی که از بلندترین کوههای دنیاست

پوشانده کوه حصار دارای خدین قله است
که بلندی آن ۵۵۰۰ متر میرسد سلسله جبال
مطرکنسر از ۵۵۰۰ تا ۶۱۰۰ متر میرسد کوههای دروازه
تا دشت پامیر امتداد دارد در بخارا یعنی یکی
از قدیمترین ممالک آسیای مرکزی نوه به نوه
شاهزادگان سلطنت کرده اند پای تخت
بخارا خدین قرن پیش از تاریخ میلادی نباشد
دلفوس آن تماشی از تصرف برگها از نژاد
آریائی بوده اند در قرن هفتم و هشتم هجری یعنی

هنگام تسلط اعراب شاهزادگان بخاری حامات در
بخارا سلطنت میکردند این شهر مرکز سلاطین نامدار
سلسله سامانیان گردید و از وقتیکه اسمعیل مؤسس
سلسله سامانیان (۹۰۷-۸۹۲) ابرا پسمرقند
ترجیح داد اهمیت آن روز بروز زیادتر گردید
قرن دهم یعنی دوره سلطنت سامانیان عصر
شکوه و عظمت بخارا بود صنعت و تجارت
و فنون مختلفه رو بتوسعه گذاشت پس از مرگ
آخرین پادشاه سامانی (۱۰۰۵) بخارا به

دوباره مدت تسلط های ترک وسلجوقی ادامه
سپس خنکر و بموجب لعد سلسله سمانیه و آل خانی
و طایفه اوزبک منغت در بخارا حکومت کردند

طایفه منغت از سال ۱۷۸۳ تا ۱۹۲۰ در بخارا
سلطنت کردند آخر الامر بواسطه جور و فشار
حکومت بلشویکی امر سید عالم خان منجر شد
که از بخارا بحرکت نماند
تشکیلات سیاسی و اداری بخارا :-
مملکت بخارا اگرچه در تحت حمایت دولت

روسیه بود ولی استقلال قدیمی خود را حفظ
میکرد امراء بخارا بموجب اصول شریعت و
عادت حکومت میکردند علمای اسلامی
بخارا امیر را خلیفه پیغمبر و حامی اصول و شریعت
اسلامی میدانستند زندگانی امیر کاملاً مطابق
شریعت بود و بهیچوجه از آن تخلف نمینمود
خانات بخارا تمام از طائفه اوزبک منعقد بودند
پادشاهان بخارا در موقع جلوس بنا بعادت
مغول در روی توسکچه مبرکه نشسته تشتها

وخوصه‌ها وملّاها اورا از زمین سر میداشتند

مملکت بخارا ۲۸ سرکات تقسیم شده از اینقرار

نوعطا قراکول قبا قلی چهارجوی کرکی بوردانلیق

کلیف شهرسبز یکه باغ کتاب غذار

قراتکین مالسون حصار ده نو قورغان

مالخوان کولاب قبادیان دروازه و

روشان سنگ‌ها و میرهاکه وظائف‌شان

در قدیم الایام لدتی بود در زمان امیر سید

عالم خان انتخابی شد

امور سیاسی و اداری بخارا در تحت ریاست کینز
موسوم به قوش بیگی اداره میشد مالیه مملکت
در تحت سطر و مراقبت دیوان بیگی بود
مسائل دینی قضائی و تعلیمات عمومی بعهده قاضی
القضاة بود کارهای عسکری در تحت ریاست
توپچی باشی بود و در جات مهمهٔ آن از انتقرار
میباشد: قوش بیگی دیوان بیگی پروانه چی
اتالیق داده خواه ثی توق ساله
نشان اسکندر، ثالث بکی از نشانهای مهمهٔ بود که امیر

بخارا منصب داران و افسران نظامی اعطا میکرد

قوای قضائیه مملکت در دست خود امیر بود که بموجب

احکام قرآن و قوانین شریعت اسلامی رفتار میکرد

بموجب قرارداد بخارا با روسیه ۱۸۶۸ اتباع روسیه

از دادن مالیات معاف بودند ولی هر مقدار مال

التجاره که در بازار میفروختند ۲½ درصد گمرک را

بحکومت بخارا میدادند

ثروت طبیعی بخارا: طلا نقره سرب مس آهن در

بخارا بمقدار زیاد یافت میشود مخصوصاً در قسمت

شرقی معادنی موجود است که تاکنون استخراج
نشده درمیان ثروتهای طبیعی نفط دنبال گوگرد
نشادر میباشد تجارت پوست پشم و ابریشم و
قالی صادرات مهمهٔ مملکت را تشکیل میدهد
میوجات بخارا شهره آفاق است انواع سیبهای
بخارا مخصوصاً نژاد قره بر در بخارا به ۱۹۱۲ اهمیت
خود را ثابت کردند و امر بخارا خدین هزار را س
مدولت روسیه داد تکه ای کوسفند بزرد
اب و شستشو به اختلاف فصول در کوهها و چمن

زارعها بحر اشغول بستند تجارت عمده بخارا با
ممالک روسیه ایران و افغانستان است
تجارت بخارا با روسیه بنهائی بیش از انقلاب
بلشویکی به ۲۵۰ ملیون فرانک میرسید ولی مدنجانه
نبودن وسائل حمل و نقل مانع بزرگی برای شرقت
تجارت بود معذلک خط راه آهن در
سرتاسر مملکت امتداد دارد
حمله بلشویکها به بخارا: پس از انقلاب ۱۹۱۷ اکتوبر اولین
قدمهای غاصبانه خود را بلشویکها بوسیله تبلیغات

شروع کردند عناصر ماجراجو و هنگامه طلب داخلی
نیز آنها را مساعدت کرده مشکلات زیادی برای
حکومت تولید کردند در دهم مارچ ۱۹۱۸ بلشویکها
بخارا حمله کرده ضیاء الدین را مجبور فرار شدند اهالی
بخارا همینکه عملیات حق شکنانه بلشویکها را مشاهده کردند
تمام عساکر روس را که در سرحد افغانستان بود تقبل
رسانیدند کم کم آتش انقلاب در سرتاسر مملکت شعله
ور شد بعینکه کولف فرمانده عساکر بلشویکی مجبور شد
که در ۲۵ مارچ ۱۹۱۸ قرارداد صلحی با امیر امضاء نماید

ولی مدتها بلشویکها از شنایع اعمال خود دست
نکشیده در ۵ سپتمبر ۱۹۲۰ بخارای شریف بدست
عاکر بلشویکی افتاد امیر سید عالم خان که مدتی
از سال ۱۹۱۸ در بخارا سلطنت میکردند مجبور شد مابقیهٔ
قلیلی به افغانستان مهاجرت نماید عاکر سرخ
دست تعدی دراز کرده سرتاسر مملکت را غارت
کرده قریب ۵۰ هزار نفر را بی خانمان نمودند بقسمیکه
در سال ۱۹۲۱ تمام نفوس از مظالم و تعدیات بلشویکها
یکباره قیام کرده انقلاب سختی در مملکت تولید گشت

ابراهیم بیگ شیردل عساکر زیادی جمع آوری کرده
جنگهای خونینی با عساکر سرخ نمود بالاخره پس از
۷ سال محاربه موفقیتهائی نصیب نوع حکومت
موقتی در بخارا گشته دشمنان امروزه تعقیب دارند که تمام
افتخارات ملی را از عادات اخلاق آداب
دین و مذهب خانواده و اجتماع نابود نمایند
تمام اهالی از اعلی تا ادنی از ستم ملت بواخواه
امیر سید عالم خان بوده و آرزوی مراجعت او
را دارند حکومت سرخ تمام تشکیلات سابقه را برهم

رده وانرا مانند سایر جمهوری های شوروی از قبیل
ازبکستان ترکمنستان قره قلپاقستان تقسیم
نمود شهر شریف بخارا یعنی مکه آسیای مرکزی یکی
از ولایات جمهوری ازبکستان شد و خاندان امیر
در سال ۱۹۲۴ بتبعید شدند سه نفر پسران امیر را بمسکو
فرستادند.

از آنجا که غرض اصلی از تاسیس مجمع بین الاقوام
حفظ حقوق ملل ضعیفه و حمایت از ستمدیدگان میباشد
امیر بخارا رجاء واثق دارد که مجمع فوق العاده بین

وضعیات اسف آور عطف توجه فرموده موجبات
تأمین ملاد و سایش عباد را در این قسمت از آسیا
برقرار سازند

فصل سوّم

تاریخ زندگانی امرای بخارا

سید امیر عبد الاحد خان پسر امیر سیّد مظفر خان
در سال ۱۸۵۹ در بخارا متولد شده از اوائل جوانی میل زیادی
به اصلاحات مملکتی داشت در سال ۱۸۸۳ برای
حضور در جشن تاجگذاری اسکندر سوّم بمسکو رفت

اقدامات متحدانه او در توسعه تجارت صنعت راه آهن
تلگراف وغیره او را مشهور خاص و عام گردانید و همچنین
برای تحکیم روابط دوستی ما روسیه از حکومت تزار
نوزدهم درخواست نمود تا یک شعبه سیاسی روس در بخارا
تاسیس شود و بالاخره پس از ۲۶ سال سلطنت پر
افتخار در ماه فبروری ۱۹۱۱ در سن ۵۴ سالگی جهان
فانی را وداع نمود

امیر سید عالم خان : در ۱۵ محرم ۱۲۹۸ هجری مطابق
جولای ۱۸۸۱ میلادی در کرمینه متولد شد پس از اتمام

تحصیلات مقدماتی در سن سیزده سالگی برای تعلیم
فنون نظامی با مر پدر بزرگوارش عسکر افشار بکام
مراجعت ۱۲ سال در ولایت قرشی حکومت کرد
تا آنکه پس از وفات پدر بتخت سلطنت نشست
امیر سید عالم خان پس از ۹ سال سلطنت به رحمت
ایزدی و عدالت گستری پس از حملهٔ وبحوم بلشویکها و
جنگهای خونین بالاخره بخود شد که در ۵ اپریل ۱۹۲۱ به افغانستان
مهاجرت نماید
یادداشت خیرالله حاجی یوسف مقیم مای پیش از

خصم کلام لازم میدانم حسن استقبالیکه از تظلم اعلیحضرة
امپراطور در رنو شد یادآوری بنام محبت و
صمیمیت نمایندگان فرانسه ایطالی آلمان انگلستان
و ایران نسبت باین بنده فوق العاده در خور ستایش
بود منتج مطلوبه این مسافرت را حضوراً به اعلیحضرت
امپراطور اظهار داشتم اعلیحضرت به نوبه خود پس از ابراز
قدردانی و حق شناسی از مجمع بین الاقوام مرا مکرر دوم
روانه اروپا فرمود و بعضی دستخط ها بنام روسای
دول معظمه به بنده اعطاء فرمود خوشبختانه این بنده

وظیفه خود را چنانکه باید و شاید انجام داده و امیدم
آنرا مسلمانان عالم عرضه میدارم تا از سرگذشت این
پادشاه و قوم بخت برگشته مطلع شوند و از خوانندگان
تمنا دارم که در این وظیفه مقدسه ما را کمک فرموده تمام
مهتان ها و افتراهای روسیه بلشویکی را نسبت بما خالی از
حقیقت دانند . خرال حاجی یوسف مقیم بای

تمام شد

۱۹۲۱ "

فهرست کتاب ـ مقدّمه ـ فصل اوّل خرن الملل بخارا
خانگ ماملوکیها ـ خانگ ملا عبد الغفّار ماملوکیها اطراف
بخارای شریف
فصل دوّم ـ یادداشت امیر سید عالم خان به مجمع
بین الاقوام :ـ ۱ـ خبر افای طبعی ۲ـ تشکیلات
اداری و سیاسی . ۳ـ ثروت طبعی ۴ـ حمله ملوکها بخارا
فصل سوّم ـ تاریخ زندگانی امرای بخارا. ۱ـ سید
امیر عبد الاحد خان ۲ـ سید امیر عالم خان ۳ـ یاد
داشت خرال حاجی یوسف مقیم مای

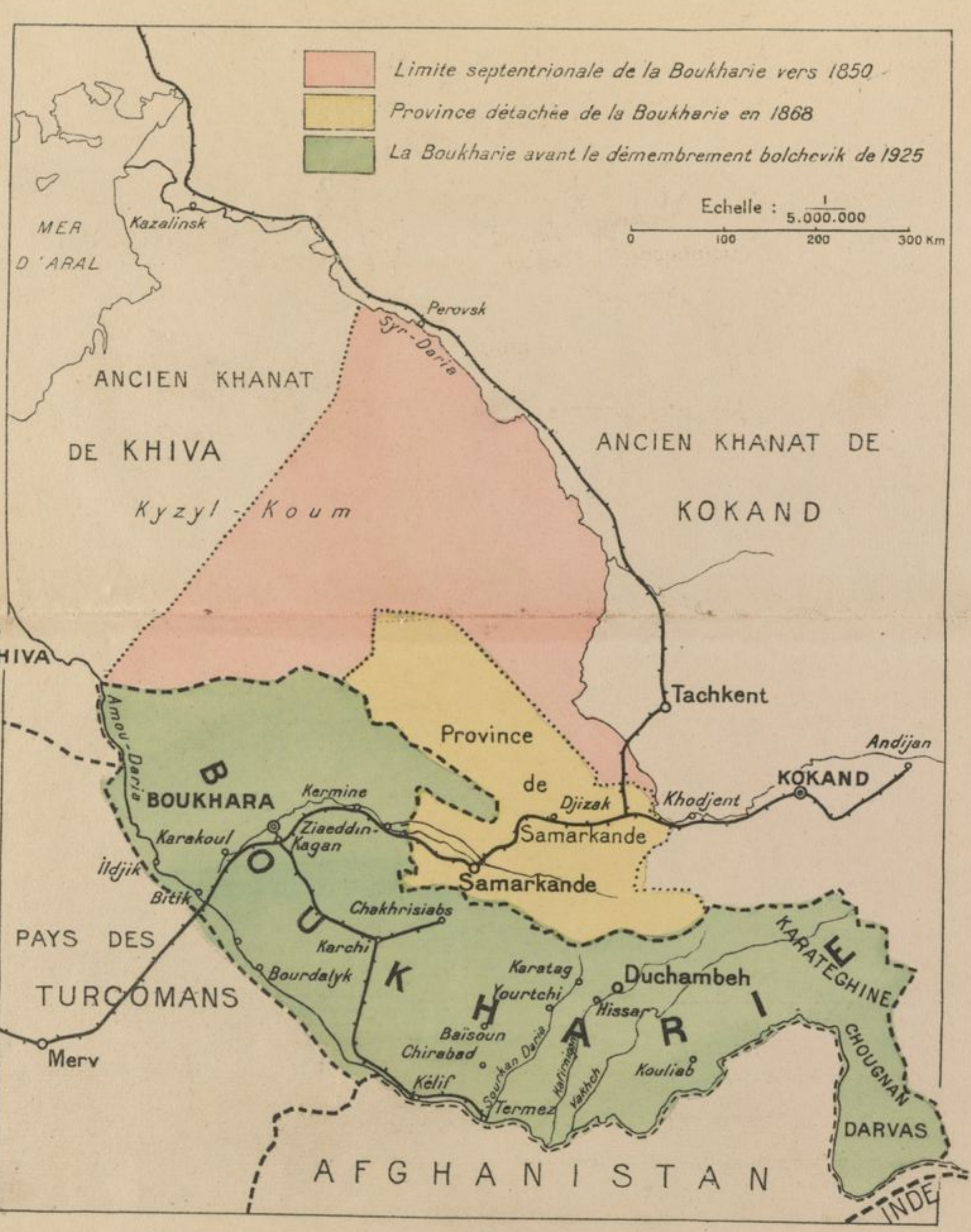
Limite septentrionale de la Boukharie vers 1850
Province détachée de la Boukharie en 1868
La Boukharie avant le démembrement bolchevik de 1925
Echelle : 1/5.000.000
0
100
200
300 Km
MER D'ARAL
Kazalinsk
Perovsk
Syr-Daria
ANCIEN KHANAT DE KHIVA
Kyzyl - Koum
ANCIEN KHANAT DE KOKAND
KHIVA
Amou-Daria
BOUKHARA
Province de Samarkande
Tachkent
Andijan
KOKAND
Kermine
Djizak
Khodjent
Karakoul
Ziaeddin-Kagan
Samarkande
Ildjik
Bitik
Chakhrisiabs
Karchi
Bourdalyk
PAYS DES TURCOMANS
BOUKHARI
KARATEGHINE
Karatag
Duchambeh
Yourtchi
Hissar
Baïsoun
Chirabad
Sourkan Daria
Kafirnigan
Vakhch
Kouliab
CHOUGNAN
Merv
Kélif
Termez
DARVAS
AFGHANISTAN
INDE

2002 - 362443